



عکس: تألیف کیهان

واقعبیت بی تردید این است که در طول تاریخ هیأت مذهبی، تربیون‌دار نشر معارف عاشورایی بوده‌اند و شور حسینی را زنده نگاه داشته‌اند. در شرایطی که رضا خان قلدر یکی از روش‌های دین ستیزی خود را بر خورد با عزاداری‌ها قرار داده بود، این هیأت مقاومت کردند و عزاداریشان را با همه سختی‌ها تعطیل نکردند. در طول دوره مبارزه؛ یعنی از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ هیأت مذهبی ارزشی‌ای بودند که در مسیر آرمان‌های سید الشهداء حرکت کردند. ۱۵ خرداد را همین هیئت‌ها آفریدند. ۱۵ خرداد مصادف با ۱۲ محرم بود که انقلاب با شور حسینی عجین شد. در این عرصه، میدان‌دار هیأت مذهبی بودند. معنای این حرف هرگز به معنای انکار نقش روحانیت به عنوان جهت‌ده و خط‌ده در این جریان نیست و همچنین به معنای نفی دیگر نهادهای دینی هم نیست. می‌خواهم بگویم که هیأت مذهبی این نقش را داشتند و در آستانه پیروزی انقلاب هم ما شاهد بودیم که از جمله اقشاری که بسیار مؤثر بودند، همین هیأت مذهبی بودند. متأسفانه برخی هیأت‌ها، اگر نگوییم در مسیر ضدیت با انقلاب حرکت می‌کنند، اما هیأت‌ها هستند که با انقلاب کار ندارند. ولی نباید همه هیأت‌ها را از چشم این‌ها دید. در عرصه هیأت مذهبی، دغدغه‌هایی که بین بزرگان دینی ما است، یک دغدغه است و دغدغه‌ای که گاهی در محافل روشنفکری و برخی از روزنامه‌های دگر اندیش می‌بینم، دغدغه‌های دیگری است. به نظر می‌رسد که برخی از جریان‌های روشنفکری از جریان مبارزه با خرافات استفاده ابزاری می‌کنند. این‌ها در پوشش مبارزه با خرافات، با حقایق مبارزه می‌کنند. گاهی دیده می‌شود با اصل عزاداری مخالفت می‌کنند. با اصل توسل و ابراز عشق به امام زمان مبارزه می‌کنند. این جریانی هست که در پوشش مبارزه با خرافات می‌خواهند تیشه به ریشه بزنند. این یک جریان است. ما با این جریان همسو نیستیم و نخواهیم بود، ولی یک جریانی هست که جلودار این جریان مراجعند، بزرگان علمای دین هستند، دلسوزان دینی هستند؛ این‌ها هم دغدغه‌هایی دارند. خاستگاه این دغدغه‌ها، غیر آن دغدغه‌هاست. آن‌ها با اساس درگیرند. علمای دین دغدغه حفظ این اساس را

در گفت‌وگو با سید احمد خاتمی مطرح شد

از ترویج دین تا ارتزاق از دین

تهیه و تنظیم: الف.م

اشاره:

این روزها آنچه در کوی و برزن و تکیه‌ها و حسینیه‌های شهر دیده می‌شود، تابلوها و پارچه‌نوشته‌هایی است که نام فلان مداح و فلان سخنران را برای جذب پای‌منبری، به قلمی درشت نگاشته است. جدای از آن که بسیاری از اینان آیا صلاحیت مدح‌گویی و سخنرانی درباره اهل بیت را دارند یا نه، سامان‌دهی و دور کردن این جلسات از دروغ و تحریف‌ها، کاری است که در سال‌های اخیر، اهمیت آن به‌خوبی آشکار شده است. در این زمینه باحجت الاسلام سید احمد خاتمی، گفت‌وگویی کوتاه داشته‌ایم که تقدیم حضورتان می‌کنیم.



دولتی باشد. آنچه در این عرصه جواب می‌دهد، خود مردمند که به رشد مردم معتقدیم معتقدیم که مردم وقتی که چیزی را فهمیدند، می‌روند تا اصلاح کنند. روحیه کاسبکارانه در تبلیغ دین هر جا باشد آفت است. این طبق تعریف روایات؛ استتکال بالعلم استتکال به اهل بیت است. عاقبت خوبی هم ندارد. در روایتی از معصوم هست که فرمود: «من استأکل بنا افتقر»؛ کسی که از رهگذر ما نان بخورد، فقیر خواهد شد. بنابراین کار، کار خوبی نیست. کار بدی است که مداح طی کند چقدر می‌خوانم، خطیب طی کند، حتی قاری بگوید چقدر می‌گیرم بیایم بخوانم. این فرهنگ، فرهنگ خوبی نیست. اما سخن این است که چه کسانی کاسب پرورند. مادر بحث رشوه می‌گوییم: «الرائی والمرثی کلاهما فی النار»؛ کسی که رشوه می‌دهد و یا رشوه می‌گیرد، هر دو در آتشند. یعنی رشوه‌گیرنده را رشوه‌دهنده می‌سازد. خوب در عرصه کاسب‌کارانه عزاداری‌ها، چه کسانی کاسب‌پرورند. یک هیئت می‌خواهد جمعیت بیشتری پیدا کند تا بگوید هیئت ما محبوب‌تر است. آن هیئت می‌آید روی دست او می‌زند. هر کدامی خواهند

این را دارند که این مداحی بشود و آفت به جان عزاداری‌ها نریزد.

البته نباید همه اشکال‌ها را متوجه مداح‌ها بدانیم. بین مداح‌های ما افراد صالح و مخلص بسیار زیادند. البته هستند کسانی که شعر سست می‌خوانند یا مدحشان با آهنگ‌های اسلامی هماهنگ نیست. این طور نیست که همه آن‌ها کاسب باشند و کاسب‌کارانه رفتار کنند. افراد مخلص که برای خدا می‌خوانند، فروانند. خوب مردم هم هدیه‌ای به آن‌ها می‌دهند. این به معنای تبرئه کسانی که مشکل دارند، نیست. این نهاد مقدس باید اصلاح بشود، باید سامان پیدا کند و سامانده هم باید خودشان باشند. از بالا به پایین نباشد، بلکه از پایین به بالا باشد. وقتی سخن از اصلاح داریم، تجربه می‌گوید که بهترین راه اصلاح، فرهنگ عمومی است. اگر ما این رشدفکری را در جامعه به وجود آوریم که مستمعین خطبا و مداح‌ها نقادانه به صحنه آمدند. این بهترین راه اصلاح است. نقادانه یعنی چه؟ یعنی یک مداحی را که شعر خوب بلند آرماتی می‌خواند و بالحن دینی هم می‌خواند، تشویقش کنند. یک مداحی که سست می‌خواند و بالحن اهل فسق می‌خواند، از هر دو سو از آن انتقاد سازنده کنند. یا در عرصه خطابه، خطیبی را که پر محتوا و مستند صحبت می‌کند، تشویق کنند و خطیبی را که مستند صحبت نمی‌کند یا صحبت‌هایش کم محتوا است، به او تذکر بدهند. اصلاح در این عرصه نمی‌شود سازمانی یا

دارند. پس دو خاستگاه هست. آنچه در این جریان است، جریان مراجع و علما به عنوان نگرانی مطرح است. جریان روشنفکری که گفتیم، کلمه بیمار را هم اضافه کنید؛ روشنفکری بیمار، خوب دغدغه‌های بزرگان دین در مسائل هیئت‌ها به دو قسمت تقسیم می‌شود. یک قسمتش محتوایی است، راجع به روشنفکری بیمار. قید روشنفکری بیمار را اضافه کنید. ما روشنفکری سالم را ارجح می‌نیم. دغدغه‌های علمای ما بر دو بخش می‌شود. یک بخش آن محتوایی است و بخش دیگر آن شکلی است. در بخش محتوایی از طرح سست معارف اسلامی اظهار نگرانی می‌کنند. از غلو در اهل بیت یعنی اهل بیت را در حد خدایی بالا بردن اظهار نگرانی می‌کنند. از این‌که ما به جای پرداختن به بیان مناقب، فضایل و کرامات و کمالات ائمه که الگو هست به چشم و ابروی اهل بیت و قشنگی اهل بیت دامن می‌زنیم. خوب این‌ها یعنی سست مطرح کردن معارف دینی. غلو، دروغ و امثال این‌ها؛ ضربه به معارف دینی و در نهایت آرمان‌های سالار شهیدان هست. به خصوص که مشتری این هیأت، معمولاً نسل جوان است. ورود ابزار آلات موسیقی لهوی مبتذل در برخی هیأت و مجالس عزاداری و استفاده از ترانه‌های لوس آنجلسی و غیر لوس آنجلسی؛ موارد ابتدالی است که باید خود عزیزان مداح در مقابل آن بایستند و بحمد الله فروانند. مداحان ارزشی که بیش از همه دغدغه



سرشناس‌ترین‌ها را دعوت کنند. قهراً آدم‌های ساخته نشده هم، وقتی دیدند تقاضا زیاد شد، عرضه را کم می‌کنند. عرضه کم شد، سر از این کاسبی در می‌آورد. این که همه علمای ما در عزاداری‌ها سخن از اخلاص دارند، به همین دلیل است. اخلاص در عزاداری مهم است. رؤسای هیأت چه کار دارند به این که حالا جمعیتشان بیشتر باشد یا کمتر. آن‌ها باید سفره عزای سیدالشهدا را پهن کنند. البته به ترتیب طبیعی بری جذب باید تدبیر هم داشته باشند؛ اما این که من از آن هیئت سر باشم، این که دسته ما جلوتر از آن دسته باشد، شک نکنند که این رقابت‌ها رقابت‌های غیر خدایی است. کاسب پروریدن یک آفت آن است.



که چه شد این طور شد، دردی درمان نمی‌شود. باید از این پس فکر کنیم که چه طور جلوی این آفت را بگیریم. صدا و سیما - به خصوص سیما - اولین نقش را در این رابطه می‌تواند داشته باشد و بحمدالله انگیزه بسیار قوی‌ای در مسئولین صدا و سیما در جهت اصلاح این جریان به وجود آمده است. نمی‌گوییم چه وقت به سامان می‌رسد، چون نمی‌دانم به کجا می‌رسد؟ اما اولین گام اصلاح که ایجاد انگیزه است، پیدا شده است. اخیراً شنیدم مؤسسه دعبل راه‌افتاده است. این مؤسسه به سازمان تبلیغات وابسته نیست، اما سازمان برای ساماندهی مدارحان کمک می‌کند. شنیدم یک طرحی هم در کمیسیون فرهنگی مجلس در رابطه با مدارحها هست

بیش از مدارحی در طرح مطالب عرفانی دقت کنیم. عرفان اهل بیت را بگوییم، نه عرفان صوفیانه، نه عرفان مرتاض‌های هندی و نه عرفان انزوا. ما اگر می‌خواهیم عارف معرفی کنیم، عارف؛ سیدالشهدا است که روز عرفه آنچنان پرشور، پرسوز و گداز دعای عرفه می‌خواند و اشک می‌ریزد که زمین از اشک ابی‌عبدالله خیس می‌شود. همین سیدالشهدا روز عاشورا عزتمندانه با نهایت صلابت می‌گوید: «لا و ان الدعی ابن الدعی قدر کزنی بین اثنتین بین السله و الذله و هیهات منا الذله» ما باید این عرفان را معرفی کنیم. متأسفانه آفتی که در مباحث اخلاقی عرفانی دیده می‌شود، این است که برخی کتاب‌ها، برخی گویندگان، عرفان‌انزوا را مطرح می‌کنند. در حالی که عرفان اسلامی عرفان حرب است و عرفان محراب. عرفان اسلامی عرفان گریز از جامعه نیست. عرفان انزوا نیست، بلکه عرفان حضور مسئولانه است.

در حد خودشان چند مسئله درست بگویند، چند حدیث درست بخوانند، این دوره‌ها را تشکیل بدهیم، سوم، آنهایی که نه صلاحیت علمی دارند نه صلاحیت اخلاقی، این نهاد متولی‌شناسایی کند و راهکار قانونی ارائه کند که با این‌ها از طریق قانونی برخورد بشود. این که همه ما از ناراحتی بر سر بزنی، هیچ کسی هم نباید وارد میدان بشود، درست نیست. برخورد با این خطر نیاز به راهکار فرهنگی دارد. باید جلسات تشکیل بدهند، راهکارها را پیدا کنند. یک هنجار جدی دیگر ابتدال در عزاداری‌هاست. چه هنجار درست فرهنگی و چه هنجار نادرست فرهنگی، یک مرتبه به وجود نمی‌آید. در یک مدتی یک هنجاری شکل می‌گیرد. اهل بیت روی عزاداری سنتی تأکید داشتند. وقتی که آن مرتبه‌خوان خواست یک‌کم خودش را جمع و جور کند، به سبک سنتی نخواند. امام صادق (ع) فرمود همانطوری بخوان که در جمع خودتان می‌خواندید. وامام راحل عظیم‌الشان هم تأکید بر عزاداری سنتی داشتند. این دقیقاً با توجه به این آفت‌ها است. در عزاداری‌های سنتی اخلاص و صفا حرف اول را می‌زند. این که ما پیام الان کالبد شکافی کنیم

ورود ابزار آلات موسیقی لهوی مبتذل در برخی هیأت و مجالس عزاداری و استفاده از ترانه‌های لوس آنجلسی و غیر لوس آنجلسی؛ موارد ابتدالی است که باید خود عزیزان مداح در مقابل آن بایستند

روحیه کاسبکارانه در تبلیغ دین هر جا باشد آفت است. این طبق تعریف روایات، استنگال بالعلم استنگال به اهل بیت است. عاقبت خوبی هم ندارد.

آفات دیگر هم در پی دارد.

متأسفانه بسیاری از خرافات از کانال خطبای زن منتشر می‌شود. قطعاً در این رابطه بایستی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران اقدام کند. بهترین کسانی که بایستی به فکر ساماندهی باشند، این‌ها هستند. ببینید ما نمی‌توانیم در رابطه با مسائل فرهنگی چکشی برخورد کنیم. با بگیر و ببند، مسائل فرهنگی حل نمی‌شود؛ البته برخلاف نظریه کسانی که می‌گویند اصلاً نباید برخورد قانونی داشت، من به این هم معتقد نیستم. کار فرهنگی و کار اجرایی باید با هم باشد، اما حالا فرض کنید سبک تا سخنران زن به تعبیر شما ملای زن، خطیب زن وجود دارند. برای برخورد با این ماجرا، اولاً باید یک نهادی متولی بشود، یک نهادی که متناسب باشد. من عرض کردم که مرکز مدیریت خواران نهاد مناسبی است. این‌ها بنشینند با طرح وارد میدان بشوند. یعنی چه با طرح؟ اولاً ما باید به اندازه کافی خطیب زن و دانشمند و واجد شرایط به جامعه عرضه کنیم و به نهادهای متقاضی سخنران معرفی کنیم. بگوییم شما اگر خطیب می‌خواهید، این‌ها خطبای خطبای برجسته‌ای هستند. دوم، در میان آنهایی که واجد شرایط نیستند، بازببینیم این‌ها را ارزیابی کنیم. آنهایی که با یک دوره آموزش دو سه ساله می‌توانند